



نوشته از محمد ولی

دولت داری یعنی چه؟

از ۳۶ میلیون نفوس افغانستان ۲۰ میلیون مصدوم به گرسنگی است که از جمله ده میلیون انرا کودکان تشکیل میدهد . صدای مردم از توزیع غیر عادلانه مواد خوراکی امدادی بلند است ، بیکاری بیداد میکند ، فقر عام شمول شده است ، فرار از کشور به روند عادی زندگی تبدیل گردیده (در هشت ماه حاکمیت جدید تنها در ایران یک میلیون افغان پناهنده شده است) ، گدایی گری روند عادی زندگی فقر است ، بی دوايي و نبود تسهیلات طبیی به رنج و درد مریضان می افزاید ، وضعیت معارف فراتر از آشفته حال است ، کمبود پول فزیکي ، نوتهای چرکین مندرس و بهم چسپیده روزگار بازار را دچار اشفتگی کراحت انگیز ساخته است ، فریاد متقاعدین از نرسیدن حقوق باز نشستگی شان در امواج رادیوها و صفنحات تلویزیون می پیچد ، امور ساختمانی جا به جا ایستاده است و مرد کاران از بام تا شام با شکمهای گرسنه و چهره های افتاب سوخته کنار جاده ها و چوکها نشسته کار نمی یابند و مزد بدست نمی آورند ، خشکسالی و کمبود اب خطر جدی است که حتی دسترسی به اب اشامیدنی را نیز در قبال میداشته باشد ، صعود قییم و نرخها موازی و گاهی پیشتازتر ازین عوامل در حرکت است ، زنگهای بهم خوردن امنیت نسبی گوشخراش تر میشود ، کار برای رفع این چالشها از طریق عرضه خدمات و تسهیلات چشمگیر نیست.

اکراه و اجبار در امور شخصی حکومت شونندگان شیوه بسیار کهنه و قدیمی حکومت داری حاکمان مستبد بوده در دولت داری مدرن جای ندارد و برای حکومت شونندگان قابل پذیرش نمیشد .

دولت داری یعنی :

- علنیت در پیشبرد امور ، احساس مسئولیت در برابر مردم و قانون .
- افزایش موثریت قانونگذار و قانون مداری .
- تحمل و برداشت مخالفین و نا راضی ها.
- تامین استقلالیت قوای سه گانه .
- غیر سیاسی سازی نیروهای امنیتی .
- کار متمر و مستمر برای توسعه امکانات آموزشی .
- اتکا بر مشارکت مردم در کار دولت .

- توسعه آزادی های مدنی.
- عدم ایجاد موانع برای آزادی های فردی تا جای که به اجتماع مضر نباشد.
- رعایت اعتدال در انکشاف شهر و ده .
- پیشبرد سیاست خارجی فعال و انعطاف پذیر بر طبق منافع ملی و طرح اولویتهای کاری درین عرصه به منظور تحکیم موقف منطقی و جهانی دولت .
- حتی در عهد یونان باستان عقیده برای بود که " دولت وسیله ای برای تحقق رفاه بشری میباشد " ، حفظ صلح و نظم عامه ، امنیت و عدالت از جمله و وظایف دیگر دولت است ، برای بسر رسانی این وظایف تاسیس رژیم حقوقی برای حمایت حقوق فردی ، مراقبت از رفاه عمومی ، ترقی ملی ، اعتلای سطح زندگی مردم ، تمدن و ایجاد شرایط برای انکشاف و پیشرفت یکجا با بلند بردن سطح عاید سرانه و بهبود مجموعی حیات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی مردم . رفع نیازمندی های ابتدایی و دور نمایی مرم از همین مسیر تامین شده میتواند .
- دولتی که بخواهد با داشتن مشروعیت داخلی با جهان معاصر در ارتباط و تعامل قرار گیرد نمیتواند ارزشهای امروزی جهان را که با منافع ملی و رسوم پسندیده و ارزشهای عقیدتی کشورش مغایرت نداشته باشد نفی کرده رخ به سوی سنن قرون گذشته حرکت کند . تجرید میشود .

وظایف دولت بسیار بزرگتر از مداخله در اطوار شخصی و اخلال روند نارمل ستایل فردی یا جمعی اتباع است اگر دولت بتواند نقش مثبت در بهتر سازی اطوار و استایل جمعی جامعه بازی کند و به این منظور موسسات و مراکز مردمی ایجاد نماید از جمله حسنات آن میباشد به شرطیکه این اقدامات ماهیت انکشافی مثبت ، پیشرونده و طبق ضرورتهای زمان داشته باشد نه ایستایی یا سیر به عقب .

- دولت داری معنی دریافت راهها و طرق حل معضلات دامنگیر مردم است نه اینکه دولت یکجانب معضله و ملت جانب دیگر آن باشد .

هشتم ماه وجود امارت اسلامی در مناقشه و جنجال با نیم نفوس جامعه یعنی زنان سپری شده است ، گاهی خانه نشینی و عدم حضور شان در کار ، گاهی مسدود شدن مکاتب ، باری تقسیمبندی غرض جدا سازی صنوف دخترانه و بچگانه پوهنتونها ، تقسیم روزهای هفته برای زنان و مردان در پارکها و تفریحگاهها ، انسداد دروازه های مکاتب برخ دختران بالاتر از صنوف ششم و تازه ترین تقابل ، مسئله حجاب زنان است که در نشرات داخلی و خارجی سر خط تبلیغات شده است .

دولت داری که مبنای مردمی و خدمتگذاری به مردم را داشته باشد نمیشود به صدور فرامین خلاف خواست مردم خلاصه گردد ، اصل اشتراک مردم در دولتداری روی همین ملاحظات مطرح بحث حقوق و سیاست است . ضمن اینکه دولت از بالا به پائین باید طبق قانون و رای مردم حکم براند مردم حق دارد از پائین به بالا برای تعیین سرنوشت شان نقش داشته باشند این نوعی از امتزاج رای مردم و حکمفرمایی است که عامل ثبات و پایداری شده مردم در تعیین خطوط کاری دولت سهیم میشود .

ختم